

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علی شمس، نماینده نویسنده و کارگردان
افزوده و ارسال: دیپلوم انجیر نسرين معروفی
۲۲ اکتوبر ۲۰۱۸

مدیترانه، ابر گورستان آبی جهان



بحیره مدیترانه که آن را در گذشته بحر روم یا بحر سفید می خواندند، بحیره ایست که از شمال به اروپا، از جنوب به افریقا و از شرق به آناتولی و شام می رسد.

بحیره ای مابین شرق و غرب که امروز به مسیری برای فرار از خون و کشتار و رسیدن به دنیای آرامش و صلح تبدیل شده است. آرزویی که گاهی در همین آب ها جا می ماند. مدیترانه امروز کشته ترین مسیر برای مهاجران در دنیاست. کسانی که تمام زندگانی شان را از ترس جان پشت سرشان می گذارند و تن به آب می زنند تا شاید مجالی برای گریز بیابند. گریز به آرمان شهری که پذیرایشان نیست.

علی شمس، نماینده نویسنده و کارگردان و منتقد تئاتر که مسأله مهاجران را دغدغه فکری اش می خواند، دست به کار شده و تئاتری را برای مخاطب اروپایی اش آماده کرده است. این کارگردان جوان و موفق تئاتر ایران در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار سپوتنیک درباره نمایشنامه مدیترانه، ایده اجرای آن در اروپا و رسالت هنری اش برای آگاهی مخاطب می گوید:

از ایده و فکرتان برای نوشتن و اجرای این نمایشنامه بگویند:

نمایش مدیریتانه، نمایشی ست که موضوع اصلی و نگاه آن به بحران مهاجرت برمی گردد، مهاجرتی که از شرق به غرب و مشخصاً پس از حوادث بهار عربی و ویرانی های گسترده ای که خاور میانه در حال تجربه آن است اتفاق افتاد و ما شاهد دست بالا شدن افراطی گری در اروپا هستیم که در واقع با این شعارها به نفع خودشان استفاده کرده و رأی می آورند. درحقیقت اروپا یکبار دیگر به صحنه نبرد نژادپرستی تبدیل می شود و دوباره درخواست و علائم فاشیستی خودش را بعد از گذشت ۵۰، ۶۰ سال نشان می دهد. درکنار بحران زیستی و عمیقی که در مدیریتانه اتفاق می افتد به واسطه پیشنهادهایی که در ایتالیا داشتیم این کار را شروع کردیم. فاز اول تور ما در رم، پسکارا و بوداپست است. از ۲۰ اکتوبر تا ۱۶ نومبر اجراهای ما در این شهرها طول می کشد.

گروه کاری ما شامل بازیگران: مارال فرجاد، بهار کاتوزی و پریسا نظری، بازیگردان الهه برادران و موسیقی کار را بابک کیوانی برعهده دارد.

چه سازمان و ارگانی پیشنهاد اجرای این تئاتر را به شما داد و چرا ایتالیا را برای اجرای اول خود انتخاب کردید؟

معمولاً کمپنی ها به کارگردان ها پیشنهاد کار را می دهند. از طرف تئاتر دوکومنتی ایتالیا و رایزنی فرهنگی ایران در ایتالیا، مجموعه ای از پیشنهاد ها برای اجرای تئاتر به ما داده شد. حجم این میزان مرگ و میر در بحیره مدیریتانه دغدغه ای برای من بود این که واقعاً در چندین سال گذشته دست کم ۱۵ هزار نفر در این بحیره کشته شده اند و مدیریتانه کم کم به ابر گورستان آبی جهان تبدیل می شود. اجساد قابل شمارش نیستند. زنان و کودکان بیگانه رانده شده از جنگ در بحیره مدیریتانه کشته می شوند و هیچ کس برایش مهم نیست.

دولت های دست راستی در کشورهایمانند مجارستان یا ایتالیا روی کار می آیند و اجازه ورود این مهاجران را نمی دهند و این مردم آواره با وضعیت اسفناک، بی آبی، گرسنگی و غیر بهداشتی هفته ها روی آب سرگردانند و اجازه ورود به کشور را ندارند. این موضوع به یک دغدغه شخصی برای من تبدیل شد و با ایده ای که داشتم تصمیم گرفتم که با همکاری دوستانی که گفتم این اثر را تولید کنیم. قطعاً این فاز اول حضور ما خواهد بود و حتی با روسیه هم رایزنی هایی کرده ایم تا در این کشور هم اجراء داشته باشیم. هر کجا که حرف از انسان و بحران مهاجرت و ننگ فاشیسم است این کار باید اجراء شود و تئاتر رسالت خودش را برای مبارزه با فاشیسم و نژاد پرستی انجام دهد.



هنر، علی الخصوص هنرهای نمایشی مانند تئاتر و فلم تا چه اندازه به بحران مهاجرت در جهان کمک می کنند؟ به عقیده من نمی توان تأثیری روی مسؤولان گذاشت، برای آن که سیاست مداران، شارلاتان هایی هستند که قبلاً تصمیم

خود را گرفته اند و شما هیچ وقت نمی توانید یک شارلاتان را به صداقت دعوت کنید. وقتی حربه آنها استفاده از خشم و جهل مردم است شما هیچ وقت نمی توانید آنها را متقاعد کنید. هنر و علی الخصوص تئاتر با سیاست مدار کاری ندارد. من فکر می کنم که مخاطب من توده مردم عصبانی در اروپا هستند و کشورهایی که دست کم خوشحال اند از این که بحران و مصیبت خاور میانه را تجربه نمی کنند. مخاطب من مردم عصبانی هستند که فکر می کنند مهاجران، جا، حضور و نفس آنها را تنگ کرده اند. من علی رغم جنبه های آرتیستیک و اجرایی تئاترم به این فکر می کنم که از خشم این مردم بکاهم و مردم و تماشاگرانم را در مواجهه با حقیقت تلخی که نشانشان می دهد به این باور برسانم که هیچ زمینی از ابتداء ارث پدری کسی نبوده و هیچ نژادی احیاناً به واسطه آرامش نسبی که در این دوره زیستی خود تجربه می کند اجازه این را ندارد که آدمی را که از رنج و مرگ فرار می کند؛ تحقیر نماید. اساساً تئاتر من علیه تحقیر و تحقیر کردن است.

آیا از زبان خاصی در تئاتر مدیترانه استفاده می کنید؟ چه نوآوری و بدعتی در این کار خودتان به بیننده عرضه می کنید؟

من در هر تئاترم سعی می کنم چیزی را تجربه کنم که بلد نیستم. در واقع چیزی که می دانی را تکنیسین و متخصص آن می شوی. من در تئاتر به سمت جایی می روم که نسبت به آن تسلط و آگاهی ندارم. ما در این تئاتر از دو زبان انگلیسی و ایتالیایی استفاده می کنیم و یک زبانی را با نام زبان مردگان مدیترانه ای ساخته ایم که در واقع زبان کسانی است که در بحیره مدیترانه جان خودشان را از دست داده اند. این یک زبان من درآوردی ست که خود اجراء به تماشاگر پیشنهاد می دهد و من فکر می کنم که در این کار دغدغه های معمول من در رفتار زبانی و تجربیات جدید زبانی وجود دارد اما چون این تئاتر را به زبان دیگری تولید می کنیم یعنی به انگلیسی و ایتالیایی، سعی کرده ام روند روایت قصه را طوری پیش ببریم که تماشاگری که خیلی خوب به زبان انگلیسی تسلط ندارد هم بتواند روند و خط قصه را پیدا کند و با ما جلو بیاید. این شکل از دیوانگی ها را وقتی که متن به زبان فارسی ست بیشتر دنبال می کنم نسبت به تئاتر هایی که در خارج از کشور اجراء کرده ام.

افزوده:

در شرایطی که ما شاهد بی حد و حصر واقعیت های غم انگیز زندگانی هستیم، هنرمندان به حیث آموزگاران توده ها می توانند نقش مؤثری در یک جامعه داشته باشند، همانطور که تأثیر عاطفی هنر لذت بخش است و به همین دلیل است که هنر ذاتاً ارزشمند است به همین ترتیب یک هنرمند می تواند از طریق هنر خود آموزشهای مفید را برای ما فراهم نماید.

هنرمندانی که با خلاقیت هنر خود را به نفع جامعه و مردم ترسیم و به کار می بندند، شخصیت هایی هستند که با ناهماهنگی و ناسازگاریهایی که خود با محیط اجتماعی و شرایط سیاسی در یک جامعه دارند، می توانند باعث دگرگونی در نظام اجتماعی و سیاسی شوند و جهان نگری را در خدمت آرمانی که خود به آن خدمت می کنند در هنر خود به نمایش بگذارند.

البته هستند هنرمندانی که افق دید شان محدود به "هنر برای هنر" است. بعضی ها به این عقیده هستند که یک هنرمند زمانی می تواند اندیشه ها و انگیزه های خود را درست بیان نماید و یا به نمایش بگذارد که از قید مکان و شرایط زمان آزاد باشد، مگر نباید فراموش کرد که آزاد بودن هنرمند از شرایط زمان و مکان و ندیدن واقعیت های غم انگیز زندگانی و یا کناره گیری از آن واقعیت ها می تواند انگیزه های خلاقیت را در وجود هنرمند نابود کند و یا این که وی

را مجبور به کناره گیری نماید و چه بسا که هنر حاکم دولتی عقل و خرد وی را تحت تأثیر و سلطه خود بیاورد. آنموقع است که ماهیت اصلی و اساسی هنر و هنرمند که در خدمت مردم باید قرار بگیرد، مسیر ضد مردمی را در پیش می گیرد. در حالی که هنرمندان می توانند از هنر خود جهت روشنگری، نیرو بخشیدن به وجدان مبارزاتی، به وجود آوردن امکانات انگیزه های مبارزاتی برای انسانها خدمت نمایند و از این طریق است که آنها می توانند تا هسته اصلی اندشیدن را در اذهان خلقها باز نمایند که برای زندگانی فردی و اجتماعی دارای اهمیت بسیار است.

طوری که همه ما می دانیم و یا بهتر باید گفت: از تجاربی که خود ما نسبت به قدرت محرکه ادبیات، هنرهای تجسمی مانند تئاتر، فلم و نقاشی، معماری و همچنان شنیدن موسیقی داریم همه اینها می توانند مجموعه کاملی از امکانات را برای بر انگیزتن عاطفه، اندشیدن به قضایا نسبت به اوضاع و شرایط حاکم در یک جامعه به وجود بیاورند. پس گفته می توانیم که ماهیت واقعی هنر به ذات خود می تواند نقش مؤثری داشته باشد و تأثیر آن بر روی رفتار، درک و احساس انسان نسبت به حقایق و کشاندن به آرمانی که خود به آن خدمت می کند یعنی به سمت درست و اساسی در تغییر و بهبود زندگانی آنها.

پس به نظر من شایستگی ادبی یک داستان و خلاقیت یک هنر در این است که داستان نویس و هنرمند با آن بتوانند اندیشه های سیاسی و اجتماعی را طوری پیوند بدهند که خواننده و بیننده را به تفکر وادارد و مسیری را که آنها در پیش می گیرند، بتوانند رسالت وجدانی و مبارزاتی خود را در قبال توده های ستمدیده به خصوص در شرایطی که کشور های امپریالیستی جهان را به آتش کشیده اند، انجام بدهند.